

نویسنده: سینتیا کوفمن «Cynthia Kaufman».

منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2025-04-22».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».



هزاران نفر برای راهپیمایی از آینده ما در شهر نیویورک در 9 نوامبر 2024 گرد هم آمدند و در اعتراض به انتخاب مجدد دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور جمهوری خواه، تظاهرکنندگان در مقابل هتل و برج بین المللی ترامپ در نزدیکی کلمبوس سیرکل (در منهن تجمیع کردند). عکس: سلجوک آکار/آنادولو از طریق گتی ایماژ

زمان ساخت جهانی مبتنی بر همبستگی فرا رسیده است

*It Is Time to Build a World Based on
Solidarity*

ما در تاریخ بشریت بر سر دوراهی قرار داریم. ما یا خواهیم فهمید که چگونه به اشتراک بگذاریم، یا تار و پود دنیایی را که از ما حمایت می کند پاره می کنیم

We are at a crossroads in human history . We will either figure out how to share, or we will tear apart the fabric of the world that supports us.

در لس آنجلس، یکی از ثروتمندترین شهرهای جهان، شهری که مسئول تولید تصاویر سبک و شادی است که در سراسر جهان تبلیغ می‌شود، ۴۰ هزار نفر در خیابان‌ها زندگی می‌کنند. حتی محله‌های ثروتمند آن نیز از آتش‌سوزی‌های فاجعه بار سال ۲۰۲۵ در امان نبودند. این مشکلات نتیجه یک سیستم اقتصادی است که سود را بر نیازهای انسانی و زیست‌محیطی ترجیح می‌دهد؛ یک سیستم سیاسی که به پول اجازه می‌دهد بر نتایج تأثیر بگذارد؛ و یک سیستم فرهنگی که تحت سلطه انحصارهای فناوری بدون نظارت و سایر اشکال رسانه‌های تحت کنترل شرکت‌ها است.

در حالی که فناوری برای جایگزینی انرژی کثیف با انرژی پاک در مدت زمانی که برای تثبیت جهان در ۱/۵ درجه سانتیگراد باقی مانده است، در دسترس است، بسیاری از دولت‌ها همچنان به سوخت‌های فسیلی با نرخ‌های بالاتر از یارانه انرژی‌های تجدیدپذیر یارانه می‌دهند. سطح نابرابری هم بین کشورهای جنوب و شمال جهان و هم در داخل کشورهای سراسر جهان در حال افزایش است. استانداردهای زندگی در کشورهای شمال جهان در حال کاهش است. یکی از دلایل این امر، ماهیت خورنده نابرابری است. تا زمانی که جامعه‌ای سطح بالایی از نابرابری را تحمل کند، سطوح بالایی از درگیری اجتماعی را در خود جای خواهد داد. همچنان که مردم از نظم اجتماعی موجود خشمگین می‌شوند، برخی به اشکال ارتجاعی ناسیونالیسم قومی روی می‌آورند.

در سراسر جهان، رأی‌دهندگانی که احساس ناامنی می‌کنند، رهبرانی مانند جابر بولسونارو، رئیس‌جمهور سابق برزیل، ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان، نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا را انتخاب کرده‌اند. ایمان مردم به آینده و احساس امنیت چنان در معرض تهدید است که در بسیاری از نقاط جهان، سطوح اپیدمیک اضطراب و افسردگی وجود دارد. کالیفرنیا، یکی از ثروتمندترین مکان‌های کره زمین با اکثریت دوسوم دموکرات‌ها، هنوز نفهمیده است که چگونه یک کشور قابل سکونت بسازد. ظهور جهانی ناسیونالیسم راست‌گرا، نشانه یک بیماری است، نه علت آن.

ما در یک دوراهی در تاریخ بشر قرار داریم. یا خواهیم فهمید که چگونه به اشتراک بگذاریم، یا تار و پود جهانی را که از ما حمایت می‌کند، از هم خواهیم پاشید. در این لحظه حیاتی، ما باید بین جهانی مبتنی بر احساسات ملی‌گرایانه ارتجاعی و بازی‌های قدرت سیاسی توسط صنعت سوخت فسیلی و سایر اشکال ارتجاعی سرمایه، یکی را انتخاب کنیم، یا می‌توانیم بفهمیم که چگونه منابعی را که داریم به طور منصفانه به اشتراک بگذاریم و یاد بگیریم که در روابط سالم با طبیعت با هم زندگی کنیم. زمان آن رسیده است که جهانی مبتنی بر روابط همبستگی بسازیم.

ریشه‌های عمیق بحران کنونی

نیروهایی که در حال از هم پاشیدن تار و پود جهان ما هستند، بخشی از مجموعه‌ای جهانی از رویه‌هایی هستند که در طول ۵۰۰ سال گذشته توسعه یافته‌اند و به مردم و

شرکت‌ها اجازه می‌دهند بدون توجه به نیازهای دیگران، سود را به خاطر خود دنبال کنند. در طول این قرن‌ها، رویه‌های مخرب مبتنی بر سرمایه‌داری، برده‌داری، استعمار و اشکال خاصی از مردسالاری در شیوه‌های عملکرد سیاست، اقتصاد و فرهنگ تنیده شده‌اند.

از آغاز، سرمایه‌داری توسط کسانی که به آنها آسیب رسانده است، به چالش کشیده شده است: از شورش‌های بردگان و شورش‌های ضداستعماری در سراسر جهان، گرفته تا لولرها و دیگرها در خانه اصلی سرمایه‌داری، انگلستان، که با خصوصی‌سازی زمین مخالف بودند. و از آغاز سرمایه‌داری، کسانی نیز بوده‌اند که برای به دست آوردن سهم بیشتری از غنایم این سیستم برای کارگران مبارزه کرده‌اند. اتحادیه‌ها برای شرایط کاری بهتر و دستمزد از کارفرمایان مبارزه کرده‌اند.

. اصلاح‌طلبان برای اینکه دولت به گونه‌ای عمل کند که توازن قدرت را به سمت منافع مردم و محیط زیست تغییر دهد، مبارزه کرده‌اند.

در بسیاری از کشورهای اروپایی، توافقی بین سرمایه و کار در اوایل قرن بیستم در نتیجه جنبش‌های کارگری قوی حاصل شد. این توافقی‌ها منجر به شکل‌گیری اشکال سوسیال دموکرات سرمایه‌داری شد، که در آن استانداردهای زندگی بالا نگه داشته می‌شد و شبکه‌های تأمین اجتماعی ایجاد می‌شدند، زیرا دولت‌ها موفق می‌شدند کسب‌وکارها را تنظیم کنند و در عین حال به آنها اجازه شکوفایی و حفظ قدرت سیاسی را می‌دادند. با افزایش نابرابری و کاهش توانایی دولت‌ها در ارائه زندگی رضایت‌بخش تحت این توافقی‌ها، بسیاری از کشورهای اروپایی شاهد کاهش حمایت از احزاب جریان اصلی و افزایش حمایت از احزاب ملی‌گرای راست‌گرا بوده‌اند.

اگر به این زودی‌ها توافق جدیدی بین سرمایه و کار برقرار نشود، بهترین امید ما این است که برای ساختن جهانی اجتماعی مبتنی بر اصول همبستگی تلاش کنیم.

در ایالات متحده، پس از فقر و آشفتگی اجتماعی رکود بزرگ، توافق مشابهی بین سرمایه و کار حاصل شد، که در آن کسب و کارها توسط دولت تنظیم می‌شدند، استانداردهای زندگی تا حدودی محافظت می‌شد و دستمزدها افزایش می‌یافت. این توافق تا زمانی که توسط رونالد ریگان، رئیس‌جمهور سابق، که دولت خود را در سال ۱۹۸۰ با اخراج کنترل‌کنندگان اعتصاب‌کننده ترافیک هوایی آغاز کرد، به چالش کشیده شد، ادامه داشت. از آن زمان، ایالات متحده شاهد فرسایش مداوم حمایت از کارگران، مقررات مربوط به حفاظت از محیط زیست و استانداردهای زندگی بوده است. توافق دوران رکود بزرگ شکسته شد و ایالات متحده از آن زمان تاکنون شاهد کاهش مداوم استانداردهای زندگی بوده است.

می‌توان وضعیتی را تصور کرد که در آن توافق جدیدی برقرار شود و دوباره بین طبقه کارگر و سرمایه، تنش‌زدایی حاصل شود. با فرو رفتن جهان در هرج و مرج بیشتر

و متزلزل‌تر شدن زندگی مردم، توافق‌های قدیمی که بین سرمایه و کار برقرار شده بود، دیگر پابرجا نیستند. اگرچه این امکان وجود دارد که سرمایه‌داران منطقی که خواهان یک سیستم پایدار هستند، به کمک بیایند و توافق جدیدی ایجاد کنند، اما این نتیجه به دلایل مختلف بسیار بعید است.

یکی از دلایل بعید بودن آن، بحران آب و هوا است. انرژی پاک با سرعت زیادی در حال نصب است و زندگی را در بسیاری از کشورهای جنوب جهان متحول می‌کند. سرعت بخشیدن به این گذار به روش‌هایی که برای بقای ما ضروری است، مستلزم مقررات بیشتر در مورد صنایع آلاینده و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر دولت در زیرساخت‌ها خواهد بود. و با این حال، الیگارشی سوخت‌های فسیلی همچنان با چنگ و دندان با این تغییرات مبارزه می‌کند، همانطور که در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ ایالات متحده دیده شد. الیگارشی سوخت‌های فسیلی قدرت غالب را در ایالات متحده، روسیه، کشورهای خلیج فارس و بسیاری از نهادهای قدرتمند فراملی در اختیار دارد. قرار نیست این الیگارشی به طور مسالمت‌آمیز به سمت غروب آفتاب برود، زیرا گذار از سوخت‌های فسیلی قدرت و سود آن را تضعیف می‌کند. این واقعیت که منافع بقای یک سیاره قابل سکونت در تضاد مستقیم با منافع آن بخش قدرتمند سیاسی است، دستیابی به توافق جدید برای تثبیت سیستم را برای سایر بخش‌های سرمایه دشوار می‌کند.

یکی دیگر از عواملی که توافق جدید را بعید می‌کند، قدرت سیاسی الیگارشی‌های فناوری است که محصولات رسانه‌های اجتماعی آنها مسئول بخش عمده‌ای از هرج و مرج فعلی در اکوسیستم‌های اطلاعاتی جهان است. این الیگارشی‌ها و شرکت‌هایشان در سطح جهانی برای حفظ توانایی خود برای فعالیت به عنوان انحصار مبارزه می‌کنند و از توسعه اشکال خوش‌خیم‌تر رسانه‌های اجتماعی جلوگیری می‌کنند. آنها همچنان از محدود کردن گسترش اشکال اطلاعات نادرست که منجر به قتل عام در بسیاری از نقاط از جمله میانمار شده است، خودداری می‌کنند. آنها به ربات‌های روسی و دیگر نهادهای بدخواه اجازه می‌دهند تا اطلاعات نادرست را به روش‌هایی منتشر کنند که به ما در دستیابی به نتایجی مانند انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ ایالات متحده کمک می‌کند. این الیگارشی‌های فناوری به طور فزاینده‌ای قدرت سیاسی خود را به نمایش می‌گذارند. توافق جدید بین سرمایه و جامعه بشری نیازمند اقدام قوی برای مهار این نیروهای مخرب است.

عامل سومی که توافق جدید را دشوار می‌کند این است که در دوره‌های قبلی، کسب‌وکارها عمدتاً با تولید چیزهایی که نیازهای مردم را برآورده می‌کرد، فعالیت می‌کردند. مصرف‌کنندگان محصولات مورد نظر خود را دریافت می‌کردند و در بسیاری از نقاط جهان، استانداردهای زندگی افزایش می‌یافت. در دهه‌های گذشته، سرمایه‌داری وارد یک مرحله خون‌آشامی شده است، جایی که سرمایه مالی سود را استخراج می‌کند در حالی که کمتر برای ایجاد چیزهایی که نیازها و خواسته‌های مردم را برآورده می‌کند، تلاش می‌کند. این امر منجر به ثروتمندتر شدن ثروتمندان بدون ایجاد افزایش استانداردهای

زندگی به عنوان یک محصول جانبی شده است، همانطور که در مراحل اولیه سرمایه‌داری اتفاق افتاد

همانطور که کیت پیکت و ریچارد ویلکینسون در کتاب «سطح روحیه: چرا جوامع برابرتر تقریباً همیشه بهتر عمل می‌کنند» می‌نویسند، با افزایش نابرابری در سراسر جهان، انواع بیماری‌های اجتماعی نیز به دنبال آن می‌آیند. این بیماری‌ها از موارد آشکار مانند افزایش نرخ جرم و جنایت گرفته تا موارد کمتر آشکار مانند بارداری نوجوانان و تمایل به فروپاشی انسجام اجتماعی را شامل می‌شوند. فقدان انسجام اجتماعی می‌تواند رأی‌دهندگان را به سمتی سوق دهد که رهبران اقتدارگرایی را به قدرت برسانند که به آنها قول می‌دهند در حالی که دنیایشان در حال فروپاشی است، به آنها حس ثبات بدهند.

همبستگی

به جای تلاش در این شرایط دشوار برای برقراری مجدد توافق جدید با سیستم‌های استثمارگری که بر جهان ما تسلط دارند، زمان آن رسیده است که عمیقاً به بررسی و ریشه‌کن کردن این سیستم‌ها از هسته‌هایشان بپردازیم. این امر شامل ایجاد راه‌های جایگزین برای برآوردن نیازهای ما، مبارزه با ساختارهایی که از سیستم فعلی پشتیبانی می‌کنند و بازنگری در درک ما از دنیای اجتماعی‌مان خواهد بود. اگر به این زودی‌ها توافق جدیدی بین سرمایه و کار برقرار نشود، بهترین امید ما این است که برای ساختن یک دنیای اجتماعی مبتنی بر اصول همبستگی تلاش کنیم.

اصطلاح همبستگی، فراخوانی برای اتحاد با وجود تفاوت‌ها برای دفاع از مجموعه‌ای از منافع مشترک است. این اغلب به معنای دفاع از نیازهای دیگران است، نه به شکل خیریه، بلکه به شکل ایجاد روابط اجتماعی که برای دیگران مفید است، یا متوقف کردن نیروهای مخربی مانند جنگ‌ها، یا رویه‌های اجتماعی که منجر به فقر می‌شوند، به نام ساختن جهانی مبتنی بر اشکال سالم وابستگی متقابل.

جنبش‌هایی که برای محافظت از حقوق مهاجران، محافظت از نهادهای دموکراتیک، مبارزه با تصرف فاشیستی دولت‌ها پدیدار می‌شوند، همگی می‌توانند بخشی از جنبشی برای ساختن جهانی بهتر باشند.

در هر نقطه از جهان، نمونه‌هایی از افرادی وجود دارد که منابع را به روش‌هایی مدیریت می‌کنند که همبستگی ایجاد می‌کند. آنها در حال ایجاد باغ‌های اجتماعی، صندوق‌های امانی زمین‌های اجتماعی، بانک‌های زمان و اتحادیه‌های اعتباری هستند. آنها در حال یافتن راه‌هایی برای حمایت و ترویج اشتراک‌گذاری، هدیه دادن و مراقبت از یکدیگر هستند. آنها در حال ایجاد شبکه‌هایی از شرکت‌های اجتماعی هستند. آنها در حال توسعه مدل‌هایی برای گسترش هستند. آنها در تلاشند تا زمینه‌ای را که این شرکت‌ها در آن انجام می‌شوند، تغییر دهند تا رشد آنها را تقویت کرده و تأثیرات آنها را افزایش دهند.

حرکت به سوی جهانی مبتنی بر اصول همبستگی مستلزم ساختن آن جهان جدید از دل جهان قدیمی است. ما باید ساختارهای غالبی را که نظم قدیمی را حفظ می‌کنند، به چالش بکشیم، در عین حال جایگزین‌های مناسبی بسازیم و در آنها زندگی کنیم، و در مورد چگونگی درک ماهیت جهان اجتماعی مشترک خود تجدید نظر کنیم. ما باید مبارزه کنیم، بسازیم و تجدید نظر کنیم.

توافق‌نامه‌هایی که برای تثبیت بسیاری از کشورها در اوایل قرن بیستم منعقد شد، نتیجه کار عظیم افرادی بود که در اتحادیه‌های کارگری و جنبش‌های اجتماعی گسترده سازماندهی می‌شدند. متأسفانه، بحران کنونی در زمانی رخ می‌دهد که اتحادیه‌های کارگری به اندازه برخی از دوره‌های گذشته قوی نیستند. با این حال، قدرت اتحادیه‌ها و طیف گسترده‌ای از جنبش‌های اجتماعی مخالف در حال توسعه است. جنبش‌هایی که برای محافظت از حقوق مهاجران، محافظت از نهادهای دموکراتیک، مبارزه علیه تصرف فاشیستی دولت‌ها پدیدار می‌شوند، همگی می‌توانند بخشی از جنبشی برای ساختن جهانی بهتر باشند. همانطور که تمام تلاش خود را برای متوقف کردن هجوم فعلی علیه یک جهان قابل زندگی انجام می‌دهیم، باید چشم‌انداز وسیع‌تر خود را از جهانی که برای همه ما مفید است، از جمله سیستم‌های طبیعی که زندگی ما به آنها وابسته است، نیز در نظر داشته باشیم.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

سینتیا کافمن

سینتیا کافمن نویسنده و مربی است. او نویسنده پنج کتاب در مورد تغییرات اجتماعی است: مصرف‌گرایی، پایداری و شادی: چگونه جهانی بسازیم که در آن همه به اندازه کافی داشته باشند (راتلج ۲۰۲۳)، دریا در حال طغیان است و ما نیز همینطور: کتابچه راهنمای عدالت اقلیمی (PM Press 2021)، قدرت چالش برانگیز: دموکراسی و پاسخگویی در جهانی از هم گسیخته (بلومزبری ۲۰۲۰)، گذر از سرمایه‌داری: تاریخ، چشم‌انداز، امید (Lexington Books 2012) و ایده‌هایی برای اقدام: نظریه مرتبط برای تغییر رادیکال (ویرایش دوم PM Press 2016). او مدیر موسسه واسکونسلوس برای دموکراسی در عمل در کالج د آنرا است. از وبسایت او دیدن کنید.



سینتیا کافمن

.....